

تکذیب صدور

حکم اعدام برای تتلو

شایعه صدور حکم اعدام برای تتلو از سوی وکلای او تکذیب شد. مجید نقشی و الهام رحیمی فر، وکلای امیرحسین مقصودلو(تتلو) در گفت‌وگو با جام‌جم درباره آخرین وضعیت پرونده اظهار کردند:
دو روزی است که سوءبرداشتی از احکام موکل ما صورت گرفته که شایعه‌ای مبنی بر صدور حکم اعدام برای آقای مقصودلو را در فضای مجازی رواج داده است. این موضوع را به‌طور قطع تکذیب کرده و هیچ‌کدام از پرونده‌های موکل‌مان تاکنون منجر به صدور حکم اعدام نشده است. در یکی از پرونده‌ها حکم قطعی صادر شده که در مرحله اعاده دادرسی است. درخصوص بقیه

سومین و آخرین روز از فاجعه معدن معدنجوی طیس و جست‌وجوی امدادگران برای عملیات امداد و نجات در حالی به پایان رسید که بنا بر اعلام مدیرکل مدیریت بحران خراسان جنوبی، تمام افراد محبوس در معدن فوت شده و تاکنون فوت ۴۹ نفر قطعی است.

به گفته محمدعلی اخوندی، در منطقه آخر تونل معدن حجم زغال بالاست ولی با رعایت تمام اصول ایمنی و حضور تیم‌های متخصص اعزامی و تیم‌های HSE معدن می‌توان امید داشت تا شامگاه سه‌شنبه آواربرداری تمام شود و افراد جانباخته از محل کارگاه خارج شوند. درحالی‌که اجساد معدنچیان در حال خروج از بلوک C است، برخی امدادگران نیز درگیر حوادث ناشی از انفجار گاز در تونل شدند.

مروری بر حوادث مرگبار معدن در دنیا

معدن لوین‌زنتال در آلمان

معدن Luisenthal در ولکینگن آلمان، به داشتن غلظت بالای گازهای قابل اشتعال در معدن معروف بود؛ به حدی که در نیمه اول دهه ۱۹۰۰ حدود ۲۰ انفجار و آتش‌سوزی در این معدن رخ داد. پس از انفجار سال ۱۹۴۱، این معدن به آخرین فناوری ایمنی مجهز شد. اما این موضوع مانع از وقوع فاجعه نشد. هفتم اکتبر سال ۱۹۶۲ و در اثر نشت گاز متان و غبار زغال سنگ انفجار قدرتمندی رخ داد. در زمان انفجار ۴۳۳ کارگر در معدن مشغول به کار بودند که از این تعداد ۲۹۹ نفر کشته و ۷۳ نفر زخمی شدند.



این معدن در سال ۲۰۰۵ برای همیشه تعطیل شد و سنگ یادبود ۲۹۹ معدنچی در محل نصب شد.

معدن بوفالو کریک در آمریکا

فاجعه بوفالو کریک در ویرجینیای غربی یکی از بدترین حوادث معدن زغال سنگ است. این معدن در فوریه ۱۹۷۲ با حادثه‌ای مواجه شد که طی آن سه سد حفاری که فاضلاب معدن را در خود نگه می‌داشت، فرو ریخت. سد شماره سه برخلاف مقررات فدرال، به جای سنگ بستر، روی دوغاب زغال سنگ ساخته شده بود و هیچ سرریزی نداشت. از دو روز قبل از وقوع حادثه، ۳/۷۲ اینچ باران در شهرستان لوگان بارید و منجر به فروریخت



احکام شعبه دیوان عالی کشور و مرجع تجدیدنظر استان در حال بررسی هستند و تاکنون نظر قطعی اعلام نشده است. همان‌طور که اعلام کردیم یکی از احکام قطعی و در حال اجراست که همین باعث انتقال موکل به بند عمومی شده است. آقای مقصودلو از تمام امکانات زندان که سایر زندانیان از آن استفاده می‌کنند، استفاده کرده و به‌صورت مستمر و حضوری در زندان با وی ملاقات داریم. حتی موکل از رفتار ضابطان و مسئولان زندان ابراز رضایت و تشکر کرده بود که ما هم به سهم خود از ضابطان پرونده و مسئولان زندان کمال تشکر را داریم. زندان شرایط خودش را دارد

و زندانی نمی‌تواند بگوید آنجا دلم شاد است. زندان جزو ابزار تنبیهی است و موکل در زندان از حیث استفاده از امکانات محدودیتی ندارد. به‌هر حال مدت محبوس بودن موکل ۱۰ ماه طول کشیده و نمی‌توان گفت او از این شرایط رضایت دارد و همین موضوع برای وی، خانواده‌اش و ما وکلای پرونده آزاردهنده است و امیدواریم با تجمع آراء، بتوانیم از نهادهای ارفاقی درنظر گرفته شده در زندان برای محکومین استفاده کنیم. مجدداً درخواست ارجاع و معرفی موکل به پزشکی قانونی جهت بررسی سلامت روحی و روانی‌اش را در مرجع قضایی مطرح کرده‌ایم.

۴۹ کشته؛ پایان تراژدی معدن طیس

افق معدن، جگر بچه‌ها از شدت گرما سوخته بود و مهندسان معدن هم شدت گرما را تایید کردند.»

روز دوشنبه شایعه‌ای هم درخصوص زنده بودن یکی از کارگران بلوک C منتشر شد که مدیرکل مدیریت بحران استانداری خراسان جنوبی با رد آن گفت، کسی رازنده درنیاورده‌ایم. رئیس مجلس شورای اسلامی با اعلام این‌که مجلس‌گزارش دقیقی از علل وقوع حادثه معدن طیس تهیه خواهد کرد، گفت: در این زمینه بدون کوچک‌ترین مماشات به نمایندگان و مردم گزارش خواهیم داد.

فاجعه معدن کوریر در فرانسه

فاجعه معدن کوریر در دهم مارس ۱۹۰۶ پراساس انفجار ناشی از نشت گاز رخ داد که دومین فاجعه مرگبار معدن زغال سنگ در جهان و بدترین فاجعه در تاریخ اروپا بود و تعداد کشته‌های تأییدشده به ۱۰۹۹ نفر رسید. طی این حادثه، حدود ۵۰۰ معدنچی بلافاصله فرار کردند و ۱۴ نفر دیگر نیز نجات یافتند. این معدن در زمان خود یک سازه فوق العاده پیچیده با سطوح زیرزمینی متعددی بود که به چندین حفره در بالای معدن متصل بودند. تصور می‌شد که این فضاهای متصل علاوه بر حمل‌ونقل آسان‌تر، شرایط نجات بهتری را فراهم می‌کند اما در عمل فضای بیشتری را برای انفجار به همراه داشت.



محکمه

محاکمه عاملان هولناک‌ترین جنایت پایتخت

مرد پزشک و دستیارش متهم به قتل برادرش به شیوه سریال «خونسرد» و چرخ کردن گوشت او هستند



سعد قطع شد و تمام کرد. بعد هم جسد را تکه‌تکه و چرخ کرد و در پشت‌بام سوزاندیم. پس از این اعترافات رد دکتر حمید در جزیره کیش به دست آمد و دستگیر شد. او پس از انتقال به تهران در تحقیقات منکر اعترافات دستیارش شد و گفت: من قصد داشتم از طریق قانونی، اختلافم را با برادرم حل کنم و قاتل نیستم. شهرام برادرم را به روش سریال خونسرد به قتل رساند و من هم به‌خاطر این‌که ترسیده بودم یا به فرار گذاشتم و بی‌گناه هستم. پس از بازسازی صحنه قتل و تکمیل تحقیقات برای هر دو متهم به اتهام مشارکت در قتل، آدم‌ربایی و جنایت بر میت کفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده وکیل پدر و مادر مقتول از طرف آنها برای هر دو متهم درخواست قصاص کرد و گفت؛

دست‌ها و پاها و دهانش را با چسب پهن بستیم. گوش‌ی سعید یکی دو بار زنگ خورد که دکتر حمید گوش‌ی‌اش را خاموش کرد. سعید به مدت سه روز در همان حالت روی ویلچر بسته شده بود و فقط مقداری آب به او می‌دادیم و برای این‌که سر و صدا نکند، هر روز به او آمپول بیهوشی می‌زدیم. دکتر حمید مقداری کاغذ و سفته و قرارداد آورد و از برادرش سعید یای همه آنها امضا و اثر انگشت گرفت. روز آخر دکتر حمید گفت: کارم با او انجام شده و وقتش است که کارش را تمام کنم. چند نایلون آورد و دست‌های برادرش را در آن قرار داد و مثل سریال خونسرد، رگ هر دو دستش را زد. خون داخل نایلون‌ها می‌ریخت، اما سعید هنوز زنده بود و نفس داشت. نگاهی به من کرد و گفت؛ پاهایش را داخل پلاستیک کن. انجام دادم. دکتر حمیدرگ‌های سعید را قطع کرد. کمی بعد، نفس

اگر دادگاه هر دو متهم را به قصاص محکوم کند، مولک‌نیم حاضر به پرداخت تفاوت دیه هستند تا حکم اجرا شود.

سپس دکتر حمید در جایگاه قرار گرفت و با رد اتهام‌ش گفت: مدت‌ها بود با برادرم صحبت نمی‌کردم. دستیارم یا او تماس گرفت و خواست برای تأسیس کلینیک دندانپزشکی به ساختمان خیابان فرشته بیاید. برادرم به آنجا آمد و وقتی من را در طبقه سوم دید، جا خورد. قصد داشت برود که دستیارم او را بیهوش کرد و وی ویلچر گذاشت و دست و پایش را بستیم. به هوش که آمد به او گفتم تو از من چک و سفته داری و من هم به جای آن از تو چک و سفته می‌گیرم. از پنجشنبه تا شنبه برادرم در آن ساختمان بود. شبیه به او گفتم دیگر کاری با تو ندارم، خودت می‌روی یا بگویم مادر دنبالت بیاید که جواب داد خودم می‌روم. بیرون رفتم و چند دقیقه بعد دستیارم با لباس و دست خونی بیرون آمد و گفت رگش را زدم و کشته شد.

رئیس دادگاه: چرا با پلیس تماس نگرفتی؟

دکتر حمید: می‌ترسیدم قتل گردن من بیفتد به همین خاطر تماس نگرفتم. باور کنید از مرگ برادرم خیلی پشیمانم. او مرد شریف و مهربانی بود.

رئیس دادگاه: چرخ گوشت در ساختمان فرشته چه کاربردی داشت؟

دکتر حمید: گاهی آنجا با دوستان دورهمی می‌گرفتم و برای چرخ کردن گوشت و درست کردن کباب از آن استفاده می‌کردم.

رئیس دادگاه سپس از دستیار دکتر خواست در جایگاه قرار بگیرد که او هم منکر قتل شد و گفت؛ دکتر حمید استاد من بود و به خاطر این‌که تیروئید داشتم چند بار نزدش رفتم و با هم آشنا شدیم. او به من کار داد. یک روز گفت با برادرش اختلاف دارد. سیمکارتی به من داد و خواست با برادرم تماس بگیرم و او را به خانه بکشانم. وقتی در ساختمان با هم روبه‌رو شدند، دکتر سعید می‌خواست برود که برادرش با کلت کپسولی به او آمپول بیهوشی زد. او را به طبقه چهارم بردیم و سه روز آنجا بود. روز آخر بیرون بودم که دکتر سراغم آمد و گفت رگش را زدم. دکتر حمید قاتل برادرش است و من در مرگ او قنقی نی‌داشتم.

پس از آخرین دفاعیات متهمان وکلای آنها قضات برای تصمیم‌گیری وارد شدند.

جام جم

حوادث

۱۹

INCIDENT

چهارشنبه ۴ مهر ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۸۶۴

ذره‌بین

حسین درخشان | مدیرعامل هلال احمر استان سمنان



درسی که باید از تراژدی طبسی گرفت

حادثه معدن زغال سنگ

(معدنجوی) طیس در ساعت ۲۱ آخرین شب تابستان ۱۴۰۳ این شب را برای همه سرد، خانواده‌هایی را داغدار و بسیاری از ایرانیان را در سراسر دنیا غمگین کرد و هشتگ ایرانم تسلیت برای همدردی فراگیر شد. اما این پایان کار نیست؛ چراکه خیلی زود همه فراموش می‌کنند که چه شد و چه گذشت و فقط خانواده‌هایی می‌مانند که در غم از دست‌دادن نان‌آور خانواده روزبه‌روز با مشکلات جدیدتری روبه‌رو خواهند شد. امیدواریم تا در این معدن هم مثل معدن زمستان یورت آزادشهر در اقدامات ایمنی و بیمه‌ای کوتاهی نکرده باشند.

زمستان یورت پس از سال‌ها به فراموشی سپرده شد و چند وقتی پاییز معدنجوی طیس بر سر زبان‌ها می‌افتد. همه می‌دانند که یکی از سخت‌ترین کارها، کار در معدن است و در بین معادن، کار در معدن زغال سنگ به‌صورت سنتی بسیار سخت، طاقت‌فرسا، زیان‌آور و بازی با جان است؛ چون در جایی در حال کار کردن هستند که از عواقب طبیعت ناآگاه هستند و هر لحظه امکان نشت گازهای مختلف کارگران را تهدید می‌کند.

همه می‌دانیم که هیچ چیز جای خالی پدر یا پسر خانواده که در یک چشم به‌رم‌زدن زیر خروار‌ها خاک، گرفتار شده را نمی‌تواند پر کند ولی جان عزیزان قشر زحمتکش باید متولیان امر را آگاه و بیدار کند تا شاهد این‌گونه حوادث نباشیم.

در کشوری زندگی می‌کنیم که اکثر نقاط آن معادن گهربار و ارزشمند وجود دارد، اما هیچ چیز ارزشمندتر از جان انسان‌های کارگر در آن معادن نمی‌تواند باشد. باید وزارت صمت به‌عنوان متولی امر به‌بررداری از معادن، نظارت ویژه‌ای بر معادن خصوصی داشته باشد؛ چراکه اکثر آنها برای کسب منافع بیشتر فقط به دنبال استخراج از معادن هستند و کمتر به ایمنی و حفظ سلامت کارگران معادن توجه دارند.

وزارت صمت با همکاری انجمن معدن‌داران باید نسبت به تشکیل تیم‌های تخصصی امداد و نجات با تجهیزات ضروری اقدام کند تا در صورت بروز این‌گونه حوادث، تیم‌های واکنش سریع نجات با تجربه در معادن در منطقه حضور یابند.

درخصوص اطلاع‌رسانی هم باید از سایر کشورها درس‌گرفت که در این مواقع چگونه اطلاع‌رسانی می‌کنند. معمولاً تصاویر افراد فوتی نمایش داده نمی‌شود، ولی عملیات نجات و خروج افراد زنده از داخل معدن را بسیار با شور و انگیزه نمایش می‌دهند، اما در حادثه طیس برخی رسانه‌های مجازی، بیکر افراد فوتی را که توسط واگن‌های معدن در حال خروج بود به‌صورت زنده و مستمر پخش و نشر می‌کردند. خبرنگاران باید به‌عنوان یک مطالبه‌گر قبل از این قبیل بحران‌ها اقدام و بعد از گذشت مدتی نیز روند اقدامات را مطالبه و پیگیری کنند.

نکته دیگری که باید رعایت شود، عدم انتشار مکالمه وزیر کشور با تیم نجات به‌صورت زنده است؛ چرا که تیم نجات در اعماق زمین با فشار روانی بالا، احکامات غذا لحظه‌لحظه‌ای غیرقابل انتشار بیان‌کنند که این موضوع می‌تواند عواقب ملی و بین‌المللی داشته باشد.

برای پشتیبانی از تیم‌های نجات هم باید پیش‌بینی لازم صورت پذیرد، چیزی که اغلب مغفول می‌ماند و آن را کار تشریفاتی بیان می‌کنند ولی باید بدانیم وقتی تیم نجات از اعماق معدن با شرایطی که ویژه است خارج می‌شود، نیاز به آمادگی امکانات حداقلی غذا و اسراحت دارد تا بتواند مجدد وارد عملیات شود.

نکته بعدی ضرورت حضور تیم‌های روان‌شناسی برای التیام اضطراب و استرس خانواده افراد آسیب‌دیده و حتی تیم‌های عملیاتی است.

در این عملیات خانواده افراد گرفتار و آسیب‌دیده از محل حادثه دور مانده بودند، ولی نیروهای مازاد و افراد مسئول، غیرومسئول و گوش‌ی به‌دست بسیاری بودند که آنها نیز باید کنترل شوند.

